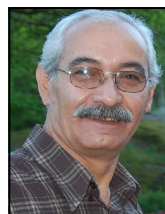




برای مقابله با موج کشتار کولبران باید به میدان آمد.  
نسان نودینیان  
صفحه ۲

## اتحادیه میهنی و تکاپو برای تاسیس اقلیم سلیمانیه



عبدال گلپریان

مدتهاست که اتحادیه میهنی کردستان عراق ( حزب طایفه طالبانی ) در تلاش است که منطقه ای مجزا، شامل، سلیمانیه، حلبچه و اطراف آنرا بعنوان منطقه خودمختار و یا اقلیمی در درون اقلیم کردستان ایجاد کند. این داستان البته تازگی ندارد و پیشینه ای قدیمی تر دارد. در ادامه این نوشته به پیشینه و دلایل آن خواهیم پرداخت. اما خود طرح چیست؟

دیگر مناطق اقلیم کردستان نظیر دهوک، اربیل و جاهای دیگر، این مناطق میتوانند از نوعی خودمختاری، مالی و اجرایی برخوردار باشند و درآمد حاصله در آن مناطق توسط انجمنهای محلی به اموراتی که این انجمنهای استانی خود تشخیص میدهند آنرا به مصارف نیازمندیهای اداره امور حیطه اختیارات خود برسانند. حتی پرداخت دستمزد کارمندان و حقوق بگیران نیز بخشی از این طرح است و انجمنهای این مناطق گزارش امورات مالی و اجرایی خود را به حکومت محلی اقلیم کردستان و پارلمان ارائه دهند. یعنی شبیه همان رابطه ای که از سال ۲۰۰۳ بین حکومت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان عراق وجود داشته است. در واقع ایجاد مناطقی که هر کدام از آنها در قالب حاکمیت اجرایی و مالی مجموعه ای از مناطق فدرال کوچکتر را از خود بیرون میدهد. مدافعین این طرح حتی برآند که آنرا در مناطق کوچکتر به مرحله اجرا بگذارند و نوعی از حاکمیت قبیله ای عشیره ای کوچکتر ایجاد کنند. اکنون اختلاف اتحادیه میهنی

طرحی بنام عدم تمرکز یا "لامرکزی" موضوعی بوده است که مدام از سوی اتحادیه میهنی و حزب گوران که پیشتر از اتحادیه میهنی جدا شده بود، بعنوان یکی از آرمانهای این دو حزب مطرح بوده است. بنا به گفته اعضای پارلمانی از هر دو حزب، این طرح در سال ۲۰۰۹ رسماً در پارلمان حکومت اقلیم بتصویب رسیده و حزب دمکرات کردستان عراق ( حزب عشیره بارزانی) هم با آن مخالفتی نداشته است اما خواهان عملی شدن آن نیست. اکنون این موضوع در کنار موضوعات عدیده دیگری به مسئله ای مناقشه برانگیز در روابط این دو حزب اصلی در حاکمیت اقلیم کردستان تبدیل شده است. قطعاً این سوال مطرح خواهد شد که اگر این قانون تصویب شده است و حزب بارزانی هم علیرغم میل خود با آن موافق است پس مناقشه بر سر چیست؟ اصل طرح میگوید: "نه تنها در سلیمانیه و مناطق اطراف آن بلکه در

صفحه ۲

## جنایت وحشیانه جمهوری اسلامی علیه افغانستانی ها

### تار موی زنان برای حکومت!

حزب کمونیست کارگری ایران  
صفحه ۳

## اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

یدی محمودی  
صفحه ۴

## بوسه جرم است! قتل ناموسی جرم نیست!

کاظم نیکخواه  
صفحه ۴

## در ستایش نسل جدید، این است سیمای انقلاب آتی

عبدال گلپریان  
صفحه ۴

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی  
صفحه ۶

## کارگران و خانواده های زحمتکش! قبض های برق را نپردازید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
صفحه ۶

## اطلاعیه های حزب

\* نفو احکام صادره برای برخی از کارگران هفت تپه و بازداشت شدگان اول مه

\* حمله یگان ویژه به کارگران شهرداری اهواز را بی جواب نگذاریم!

\* آزادی سه کارگر زغال سنگ کرمان و امیر چمنی و چند خبر اعتراضی کارگری

\* سومین روز تجمع اعتراضی کارگران هپکو با خواست راهاندازی تولید و اشتغال  
صفحه ۷

## قلبی برای رهایی محرومان

از تیش باز ایستاد.

## بمناسبت درگذشت رفیق علی کتابی

صفحه ۵

ابراهیم رستمی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



آبان و دی ماه ۹۸ بکار گرفتند.

مبارزه علیه کشتار کولبران و علیه بیکاری در چند سال گذشته عرصه ای از مبارزه مردم علیه ج.ا بوده است. در سال ۹۶ در پنج اسفند در شهرهای بانه و پیرانشهر اعتصابی عمومی برگزار شد. مردم شهرهای پاوه، نوسود، سردشت و میروان به این اعتصاب پیوستند. دامنه اعتصاب وسیع شد و بیش از سه هفته ادامه داشت. ج.ا با بیت رهبری و سپاه پاسداران از ترس گسترش اعتصاب و اعتراضات عقب نشینی کردند. به مرور مرزها و محموله‌بیتها را کم کردند و ما شاهد بودیم برای مدتی از دامنه کشتار کولبران کاسته شد.

درسهای این اعتراضات را باید در شرایط کنونی بدست گرفت. به هر میزان فشار اعتراض و اعتصاب و مبارزه انقلابی مردم گسترش داشته است، جمهوری اسلامی مجبور بعقب نشینی شده است.

### شرایط کنونی؛

اما شرایط کنونی و پاندومی کرونا، معیشت و زندگی کارگران و بویژه کولبران، کارگران و جوانان بیکار را تحت تاثیر جدی قرار داده است. در چند ماه گذشته بر تعداد کارگران بیکار و جوانان بیکار افزوده شده است. چندین هزار نفر از کارگران زن و مرد و جوانان بدون تامین معیشت زندگی میکنند. تعداد زیادی از آنها از روی ناچاری و برای تامین ممر معاشی که چند برابری زیر خط فقر است به کولبری مشغول شده اند. حکومت اسلامی بجای تامین معیشت، بجای تامین زندگی و حفظ جان کارگران و خانواده هایشان هر روز بسوی مردمی که برای نان جان میدهند شلیک میکند و دست به جنایت میزند. تحمیل این شرایط غیر قابل قبول است.

### ریشه های اجتماعی و طبقاتی کولبری

کولبران استثمار شده های سیستم بازار آزادی هستند که سرمایه داران و دزدان نظام حاکم با کنترل مرزها و ثروتهای اجتماعی به مردم تحمیل کرده اند.

کولبران بخشی از ارتش بیکاران هستند. بیکاری میلیونی یکی از معضلات بزرگ کارگران در دولت های تاکنون موجود در جمهوری اسلامی است. در دو دوره دولت روحانی بر میزان بیکاری افزوده شده است. فلج اقتصادی دامنه بیکاری را مدام بیشتر و عمیقتر کرد.

### نسان نوینیان

از اوایل سال جاری تا کنون بیش از ۲۰ نفر از کولبران کشته و زخمی شده اند.

سالانه در مرزهای مشترک ایران با کشورهای همسایه بویژه در مرز ایران و عراق صدها کولبر کشته و زخمی میشوند. بسیاری از این زحمتکشان با گلوله مستقیم نیروهای جمهوری اسلامی به قتل میرسند و شماری نیز در برف و سرما تلف شده اند. هر هفته و یا هر روز ما شاهد شنیدن خبر تلخ کشته و زخمی شدن کولبران هستیم\*. در سال ۱۳۹۸ بیش از ۷۰ نفر از کولبران با شلیک نیروهای جمهوری اسلامی جانباخته اند و بیش از ۱۷۰ نفر مجروح و بر اثر شدت تیراندازی معلول و مصدوم شده اند.

### مبارزه علیه کشتن کولبران اقدامی خیابانی است

در مقابل موج رو به گسترش کشتار کولبران باید اقدامی درخور انجام داد. مبارزه علیه کشتن کولبران اقدامی خیابانی است. رهایی از دست شرایط فلاکتناز کنونی و رهایی از بیکاری و جلوگیری از وحشیگریهای حکومت اسلامی با بمیدان آمدن مردم در کردستان و اقدامات تعرضی و خیابانی ممکن است. رهایی از دست حمله های خونین نیروهای جمهوری اسلامی با اقدامات موثر توده ای و خیابانی عملی است. حکومت اسلامی را باید با اعتصاب و مبارزات توده ای و سازماندهی در محلات و شهرها بعقب نشینی راند. مردم کردستان تجارب گرانیهایی از اعتراض علیه سرکوب و بیحقوقی و تبعیض و فقر و محرومیت دارند. اعتصاب باشکوه و سراسری ۲۱ شهریور سال ۱۳۹۷ نشان داد که مردم کردستان از آمادگی کافی برای مقابله با سرکوبگری های جمهوری اسلامی برخوردارند. مردم میتوانند دست به یک اقدام سراسری و تاریخی بزنند و جنبایتکاران را از کار خود پیشیمان کنند. مردم کردستان اعتراضات کوبنده و خیابانی آبان و دی ماه ۱۳۹۸ را علیه گرانی تجربه کرده اند. میدانند که با اتکا به نیروی متحد و اعتراضی شان میتوانند ج.ا را به عقب نشینی وادار کنند. مردم اعتراضات چند سال گذشته علیه کشتار کولبران و علیه بیکاری را تجربه کرده اند و درسهای مهم اعتراض و اعتصاب را به عینه در

رقابت پیشینه کهنه تری دارد. دلیل اصلی این قبیله سازی و بازگشت به عقب برای چاپیدن هستی و دسترنج مردم کردستان عراق است. نزدیک به سه دهه گذشته که این دو حزب ناسیونالیست کرد و دیگر احزاب اسلامی همپیمان آنان در حکومت اقلیم، تلاش کرده اند با اعمال عقب مانده ترین قوانین در پارلمان کذایی شان بر مردم کردستان عراق، هستی آنان را به یغما ببرند.

آنان با اعمال قوانین اسلامی، زن ستیزی، رواج ناسیونالیسم، ضدیت با آزادیخواهی و برابری طلبی، ترور و سرنیست کردن کمونیستها و روزنامه نگاران و دهها عمل و سیاست ضد انسانی دیگر، سرمایه و هستی مردم را در دست خود قبضه کرده اند.

اتحادیه میهنی و حزب دمکرات طی سالها حاکمیتشان برای دست بالا داشتن در غارت هستی مردم به جنگهای خونینی علیه همدیگر دست زده اند. این رقابت تا امروز همچنان ادامه داشته و تمامی ندارد و نتیجه آن جز فقر، نداری، نبود ابتدایی ترین امکانات زندگی و رفاهی آب و برق برای مردم، عدم پرداخت دستمزد کارکنان و مزدبگیران، اشاعه خرافه های مذهبی و غیره، چیز دیگری بر نداشتند است.

دو حزب اصلی حکومت اقلیم کردستان بارها و طی این سالها با موجی از خشم، اعتراض و نارضاایتی مردم روبرو بوده اند. آنان خوب میدانند که اگر بخواهند کماکان بر سر قدرت در مقابل هم صف آرای کنند، مردم آنان را بیکبار برای همیشه بزیر خواهند کشید. طرح "عدم تمرکز" که اتحادیه میهنی و حزب گوران طبل آنرا بصدا درآورده اند و حزب دمکرات قادر به مخالفت جدی در مقابل آن نیست، از منظر آنان مرهمی برای جلوگیری از یک جنگ دیگر است که قطعاً تاوان آنرا مردم تهیدست باید بپردازند. بدون شک چنین اتفاقی نهایتاً منجر به کنار زده شدن احزاب ناسیونالیست، عشیره ای و اسلامی حاکم توسط مردم خواهد شد.

این رقابت و تقسیم ثروت جامعه کردستان عراق بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات، اکنون و عملاً دو فاکتور دارد اجرایی میشود. آنچه مانده است این است که به آن رسمیت قانونی بدهند.

با و بدون تأسیس اقلیمهای کوچکتر و پستو های تو در تو در ساختار این حکومت، مردم کردستان عراق متاثر از جوامع مدرن، سکولار، و با خواستههای آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی بساط احزاب ناسیونالیست، عشیره ای و اسلامی آنان را که در مغایرت با مطالبات امروزشان است کنار خواهند زد.

۲۷ مه ۲۰۲۰

(طالبانی) با حزب دمکرات (باززانی) بر سر طرح عدم تمرکز یا بقول خودشان "لامرکزی" این است که اتحادیه میهنی و تامین و پرداخت دستمزد کارکنان و کارمندان مناطق حیطه اختیارات خود را امر حکومت اقلیم میدانند نه امر انجمن شهرستان یا استانهای به اصطلاح خودگردان.

این را هم باید یادآور شد که بعد از نفت که اصلی ترین منبع درآمد در دست احزاب حاکم بر اقلیم کردستان است، در مرحله دوم تجارت، بازرگانی و فروش وجهی دیگر از نفت از طریق تانکرهای نفتکش در نواحی مرزی شرق سلیمانیه با جمهوری اسلامی صورت میگیرد که اتحادیه میهنی این بخش دوم در روابط مالی، تجاری و گمرکات را در دست خود دارد.

نتیجتاً اتحادیه میهنی میخواهد از طریق همین شاهراههای تجاری در مرز باشماخ، پینجوجین، سیران بند و دیگر گذرگاههای مرزی، حاکمیت خودمختار مالی خود را دائر کند و به کسی هم جواگو نباشد.

اما داستان از این هم فراتر است. اتحادیه میهنی طی سالهای گذشته نیز بنوعی مستقل از حکومت اقلیم کردستان که خود دومین حزب در این حکومت است، روابط و مناسبات دیپلماتیک و خارجی را هم برای خود تعریف کرده و به اجرا درمیآورد. تحکیم رابطه مستقلانه با جمهوری اسلامی و تداوم این مناسبات نمونه شاخص آن است و در آنسو حزب دمکرات نیز چه در ظرفیت حزبی و چه در قامت حکومت روابط و مناسبات حسنه با دولت ترکیه دارد. کمیکه چند روز سری به شهر سلیمانیه، هلبجه و مناطق اطراف آن زده باشد متوجه خواهد شد که این جمهوری اسلامی است که با اتکا به اتحادیه میهنی در این مناطق حکم میراند نه حکومت اقلیم. مسئله رفراندم کردستان عراق بعنوان یک نمونه دیگر این را به اثبات رسانید که اتحادیه میهنی با کمک، همکاری و همسویی جمهوری اسلامی و دولت عراق، عملاً از طریق راهکارهای سیاسی و نظامی در مقابل رفراندم ایستاد و آنرا بشکست کشانید.

همین چند روز اخیر نیز اتحادیه میهنی با تصمیم خود تعداد ۱۷۶ تن از افراد زندانی وابسته به داعش که در زندان سلیمانیه بسر میبردند را بلون اطلاع حکومت اقلیم به دولت مرکزی عراق تحویل داد. در همین رابطه حزب رقیب (باززانی) و دیگر نهادهای رسمی حکومت اقلیم از این مسئله اظهار بی اطلاعی کرده اند و این اقدام خودسرانه اتحادیه میهنی را مورد نکوهش قرار دادند.

همانطور که پیشتر اشاره شد این

نداشتن بیمه بیکاری، بالا بودن نرخ خرید سبد معیشت روزانه، نبود تأمینات اجتماعی و پزشکی و بالا بودن نرخ اجاره مسکن و دهها مساله و مشکل مالی و اقتصادی دیگر، فقر و نداری را در عمیق ترین شکل به کارگران و جوانان بیکار و مزدبگیران تحمیل کرده است. در بطن این شرایط نا امنی معیشتی و اقتصادی، روی آوری به دست فروشی و کولبری در چند سال گذشته بیشتر و بیشتر شده است. بیکاری هزاران نفر از کارگران و جوانان چالش اصلی در کردستان است. بیکاری در شهرهای کردستان بیداد میکند. اکثریت بالایی از جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی هستند و به جمعیت کارگران اخراج شده و بیکار افزوده میشوند.

### راه حل فوری و فراخوان ما؛

از همه احزاب و جریانات سیاسی مسئول میخواهیم برای اقدامی مشترک و سراسری در کردستان و برای پایان دادن به کشتار کولبران به میدان بیایند. مردم کردستان و احزاب و جریانات چپ و کمونیست با اقدامی هماهنگ و مشترک میتوانند پاسخ قاطعی به جمهوری اسلامی بدهند و مانع این کشتار هر روزه بشوند. بر اساس تجربه و سنت سیاسی مردم آزادیخواه کردستان اعتصاب عمومی سراسری یکی از آن اقدامات موثر میباشد که میتواند سدی در مقابل این کشتار ایجاد کند.

\* در سال (۱۳۹۶) دست کم ۲۲۷ کولبر کشته و زخمی شده‌اند. در سال ۱۳۹۷ بیش از ۲۵۰ نفر از کولبران کشته شده اند و دهها نفر معلول و از کار افتاده اند. در سال جاری تا کنون بیش از ۲۰۰ کولبر کشته شده و تعدادی بیشتر معلول شده اند. در میان کولبران جوانان تحصیل کرده و بیکار زیادی که هیچ امکانی برای امرار معاش ندارند و ناچار به این کار خطرناک شده اند وجود دارند. حتی نوجوانانی که زیر ۱۷ و ۱۴ سال سن دارند جان خود را در این راه از دست داده اند.

۶ خرداد ۱۳۹۹

۲۶ مه ۲۰۲۰



## جنایت وحشیانه جمهوری اسلامی علیه افغانستانی ها

## تار موی زنان برای حکومت!

افغانستان بر پیگیری این جنایت پافشاری کرده و هشدار داده‌اند که اگر این موضوع از سوی دولت افغانستان دنبال نشود، آنها به دادگاه بین‌المللی لاهه در هلند و سازمان ملل متحد شکایت خواهند برد.

### حزب کمونیست کارگری از

این خواست قویا پشتیبانی می‌کند. جنایتی که جمهوری اسلامی در مرز ایران و افغانستان مرتکب شده، مصداق مسلم جنایت علیه بشریت است و به دلیل ارتکاب این جنایت و به دلیل جنایت و کشتار مردم ایران از هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت گرفته تا کلیه اعدام‌هایی که در طول حاکمیتش مرتکب شده و قتل‌های زنجیره‌ای در داخل و ترورهای سیاسی در خارج کشور، تا کشتار معترضین در دی ۹۶ و آبان ۹۸ و قتل عام‌دانه سرنشینان پرواز PS752 باید به دادگاه لاهه کشیده شود و سران این حکومت تحت پیگرد بین‌المللی قرار گیرند. حزب کمونیست کارگری بر همبستگی انسانی مردم دو کشور ایران و افغانستان تاکید دارد و از حقوق کامل شهروندی افغانستانی‌های ساکن ایران حمایت می‌کند. ما همه مردم بویژه فعالین اجتماعی را فرامی‌خوانیم که نسبت به تحریکات ارتجاعی و عقب‌مانده ناسیونالیستی علیه مهاجرین افغانستانی بعنوان تحریکاتی علیه انسانیت و همبستگی انسانی قاطعانه بایستند و طرحها و اقدامات نژادپرستانه جمهوری اسلامی را به شکست بکشانند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ خرداد ۱۳۹۹

۲۱ مه ۲۰۲۰



جمهوری اسلامی برای پوشاندن هر جنایتی که می‌کند، به انواع دروغ‌ها متوسل می‌شود. نمونه‌ها زیاد هستند. آخرینش انکار جنایتی است که مرزبانان جمهوری اسلامی مرتکب شدند و طی آن شماری از مهاجرین افغان جویای کار را پس از اذیت و آزار به رودخانه مرزی هریرود انداختند و کشتند. در این جنایت هولناک که در روز ۱۲ اریبهشت امسال اتفاق افتاد نیروهای جمهوری اسلامی مهاجرین را وادار به پریدن به داخل رودخانه کردند که در نتیجه ۱۲ نفر کشته و ۱۷ نفر ناپدید شدند. علیرغم شواهد غیر قابل انکار و منجمله روایت جان به دربرندگان این جنایت وحشیانه و اهالی روستایی که شاهد این جنایت بوده‌اند، جمهوری اسلامی وقیحانه به انکار این جنایت پرداخته و "قویا" این مسئله را تکذیب کرده است.

بنا به اخبار منتشر شده کمیساران مرزی افغانستان و ایران جلسه‌ای داشته‌اند و در این جلسه کمیساران مرزی جمهوری اسلامی اسناد، شواهد و مدارک طرف افغانستان را قبول نکرده‌اند. جمهوری اسلامی حتی حاضر نشده است در سطح مقامات بالاتر با دولت افغانستان در این‌باره مذاکره کند و تنها در سطح «کمیسارهای مرزی» (مرزبانان) مذاکره کرده است. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی بیش‌رمانه چنین

مواجه خواهند شد. همانطور که تمهیدات زورگویانه در دنیای واقعی تنها شکستهای پی در پی برای آنها داشته است.

زنان حجاب نمی‌خواهند. این را به هزار و یک شکل نشان داده‌اند. بی‌حجابی "ناهنجاری اجتماعی" نیست. بوسیدن "ناهنجاری اجتماعی" نیست که کسی به خاطر آن دستگیر شود. این جمهوری اسلامی است که عین "ناهنجاری اجتماعی" و وصله ناجوری بر این جامعه است و این تشبیهات نشان‌دهنده عمق ضعف و زبونی و وحشت حکومت از جنبش‌های زن و جنبش‌های از فرهنگ ارتجاعی اسلامی است.

سران حکومت مطمئن باشند که زنان آزاده با گسترش جنبش حجاب برگیران پاسخ شایسته‌ای به این گستاخی خواهند داد و در خیابان و دانشگاه و مدرسه و شبکه‌های اجتماعی نشان خواهند داد که این جنبش اجتماعی تر و قدرتمندتر از آن است که زیر بار این زورگویی‌ها برود. جمهوری اسلامی در مقابل میلیون‌ها زن و مرد آزادیخواه که به آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی و حجاب اجباری اش محکم نه گفته‌اند هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

حجاب اجباری و همه قوانین تبعیض آمیز باید فوراً لغو شوند. لازمست که همه شهروندان از حقوق انسانی زنان به دفاع برخیزند و تعرض حکومت را با تعرض گسترده و همبستگی هرچه بیشتر پاسخ دهند. جنبش‌های زن در ایران جنبشی عمیقاً آزادیخواهانه و یکی از پایه‌های مهم جنبش سرنگونی است. این جنبش را با تمام قوا تقویت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ خرداد ۱۳۹۹

۲۱ مه ۲۰۲۰



**حزب کمونیست کارگری بر همبستگی انسانی مردم دو کشور ایران و افغانستان تاکید دارد و از حقوق کامل شهروندی افغانستانی‌های ساکن ایران حمایت می‌کند. ما همه مردم بویژه فعالین اجتماعی را فرامی‌خوانیم که نسبت به تحریکات ارتجاعی و عقب‌مانده ناسیونالیستی علیه مهاجرین افغانستانی بعنوان تحریکاتی علیه انسانیت و همبستگی انسانی قاطعانه بایستند و طرحها و اقدامات نژادپرستانه جمهوری اسلامی را به شکست بکشانند.**

## اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن



یدی محمودی

خودکشی و قتل های ناموسی است که در دو ماه گذشته ما شاهد دهها مورد آن بوده ایم. باز هم در این شرایط ماموران سرکوبگر سپاه پاسداران آدم کش رژیم اسلامی، در یک ماه گذشته ۱۶ نفر از کولبرانی که برای لقمه نانی راههای سخت و صعب العبور را ساعتها و کیلومترها با کوله باری سنگین می پیمایند، مورد هدف تیر اندازی مستقیم قرار داده و جانشان را از دست داده اند.

آمار این هفته کرونا در شهرهای کردستان تا روز دوشنبه پنجم خرداد به قرار زیر است که نسبت به هفته گذشته ۴۴۵ نفر افزایش داشته که بیش از نیمی از مبتلایان در شهر سنندج بوده است.

سنندج ۸۶۹ نفر مبتلا و ۳۲ نفر جانباخته، سقز ۴۷۴ نفر و ۳۶ نفر جانباخته، بانه ۲۶۰ نفر و ۲۰ نفر جانباخته، قروه ۲۱۸ نفر و ۱۹ نفر جانباخته، دیواندره ۱۸۶ نفر و ۵ نفر جانباخته، میروان ۱۷۱ نفر و ۷ نفر جانباخته، کامیاران ۱۳۵ نفر و

۱۵ نفر جانباخته، بیجار ۱۳۰ نفر و ۹ نفر جانباخته، دهگلان ۱۰۴ نفر و ۳ نفر جانباخته و سروآباد با ۲۹ نفر مبتلا به ویروس کرونا.

لازم به ذکر است که در هفته گذشته قاسم جان بابایی معاول درمان و وزارت بهداشت حکومت اسلامی گفته است که حدود ۱۰ هزار نفر از کادر پزشکی کشور به کرونا مبتلا شده اند. در شهرهای کردستان از همان هفته های اولیه در بسیاری از شهرها گروههای همیاری، نهادها و کمیته محلات مبارزه با کرونا شکل گرفت و با فداکاری تمام به مبارزه با کرونا برخاستند، اما روشن است برای مقابله جدیتر با کرونا باید حکومت اسلامی را وادار به پذیرش خواست تامین معیشت همگانی کرد و این مطالبه را به خواستی سراسری و برحق مردم تبدیل کرد.\*

[Yadi.mahmudi@gmail.com](mailto:Yadi.mahmudi@gmail.com)

[m](https://t.me/yadi_mahmudi)

Telegram:

### عبدال گلپریان

دختران خیابان انقلاب همینطور و صدها هزاران نمونه دیگر از دهن کجی نسل امروز به قوانین کیک زده اسلامی در تاریخ مبارزات زنان و نسل جدید ثبت شده است. به تمسخر و ریشخند گرفتن پایه ها و ستونهای پوسیده و در حال فرو ریخته حکومت اسلامی همراه با ارائه الگوهای مدرن و پیشرو، امر زنان و نسل جدید بوده است. از خصلت زنانگی انقلاب آتی برای بیزر کشیدن حکومت ضد زن اسلامی نباید کمترین تردیدی داشت. میلیونها نفر از جوانان نسل امروز و زنان بقدمت عمر سراپا نگیت اسلامی با این هیولای زخم خورده، تعطیل ناپذیر جنگیده اند و برای رسیدن به اهداف خود همچنان دارند می جنگند.

حلقه های بهم پیوسته از مبارزات، اعتراضات و اعتصابات کارگری، عطش مردم برای جامعه ای سوسیالیستی، آزاد، برابر و انسانی، با مبارزات و اعتراضات زنان، جوانان و نسل جدید برای بالاترین توقعات مدرن، سکولار و فرهنگی پیشرو حجتین شده است. این حلقه های بهم پیوسته میروند تا بساط متعفن و موجودیت ضد انسانی حکومت اسلامی را جارو کنند. این خواست و آرزوی ذهنی کسی نیست بلکه حقیقت مادی و عینی دیرروز و امروز جامعه ایران است. بر خلاف نظریه پردازان و نویل گرفته های دو خردادی و کل دستگاه حاکمیت که با استفاده از رسانه های نان به نرخ روز خور با تمام قدرت کوشیدند و زور زدند که جامعه ایران را اسلامی معرفی کنند، اما افکار عمومی جهانی طی چهار دهه گذشته شهامت و جسارت زنان، جوانان و مردم برای در سوراخ کردن اسلام را شاهد و ناظر بوده اند. این است سیمای انقلاب آتی.

۲ خرداد ۹۹

## بوسه جرم است! قتل ناموسی جرم نیست!

### کاظم نیکخواه

این روزها دو خبر توجه بسیاری را به خود جلب کرد. یکی قتل فجیع یک دختر جوان بنام رومینا اشرفی توسط پدرش به دلیل دوست داشتن یک پسر، و دیگری دستگیری یک جوان بنام علیرضا جاپلقلی توسط جمهوری اسلامی به دلیل بوسیدن دوست دخترش. آیا مشکل است که ارتباط تنگاتنگ این دو را بفهیم؟ آیا روشن نیست که یک تازی سنتهای عقب مانده و ارتجاعی مذهبی در جامعه طی سالها و قرنها، نه فقط یک مشت موجودات آدمکش نظیر خمینی و امثال داعش و غیره را پرورش میدهد که بوسه را جرم اعلام میکنند، بلکه انسانهایی را از عقل و منطق انسانی آنچنان دور میکند که فرزند و دختران خود را بخاطر حفظ آبرو و ناموس، به قتل میرسانند؟ این جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی است که عامل قتل رومینا اشرفی است. این خمینی و حوزه علمیه و اسلام و عقب ماندگی اسلامی است که رومینای کوچک را با داس به قتل رسانده است. طی چهل سال گذشته هزاران و صدها هزار نفر قربانی مذهب و اسلام شده اند. ما مردم اگر گناهی داشته باشیم اینست که نتوانستیم از رومینای جوان دفاع کنیم. نتوانستیم او را از دست جنایت و قتل رها کنیم. هم اکنون در اخبار مربوط به قتل رومینا گفته میشود که بنا به قوانین جمهوری اسلامی اگر پدری دخترش را به قتل برساند و بویژه اگر این قتل دلیل ناموسی داشته باشد، او محکوم نخواهد شد. دقت کنید! بوسه علیرضا جاپلقلی

۱۶ خرداد ۹۹



### در ستایش نسل جدید، این است سیمای انقلاب آتی

جوانانی که با ضرب قوانین ضد انسانی حکومت اسلامی در جامعه ایران بزرگ شده اند، نسل جدید، نسلی که دهه هفتاد، هشتاد و حتی نود در جامعه اسلام زده ایران بدینا آمده است. میگویم دهه نود چرا که دانش آموزان دختر و پسر زیر ده سال در مدارس نیز به ریش و پشم ریخته آیت الله های میلیاردی و حکومتیان میخندند و با الگوی کودکان در کشورهای غربی به شادی، نشاط، رقص، موزیک و دیگر آرزوهایشان به زندگی و آینده خود مینگرند. طی چهار دهه اخیر نهادهای حکومت اسلامی در مدارس در اماکن عمومی و خیابانها، با تهدید، اجبار، جدا سازی، شلاق، زندان، شکنجه و تحمیل حجاب کوشیدند تا اسلام و قوانین ضد انسانی آنرا به این نسل تحمیل کنند اما نه تنها نتوانستند بلکه از همان ابتدای ظهور این بختک اسلامی تا به امروز زنان و جوانان با جسارت و شهامت قابل تحسین تمامی طرحها و خزعبلات اسلامی حکومت را با شکست مواجه ساختند.

علیرضا جاپلقلی و مائده هژبری شاید نمونه های جسور صف مقدم این نسل برای خلاصی از فرهنگ اسلامی هستند.







ابراهیم رستمی

این نتیجه رسید مهدکودکی در زرگویی برای بچه‌های مردم روستاهای اطراف درست کرد، و سپس کتابخانه‌ای نیز دایر کرد و همین پروژه را در روستای "سه رگه لو" به پیش برد.

در اوج فقر و نداری و اینکه مثلا از من نوعی کمک مالی جمع میکرد اما اگر میگفتم كاك علی پولی برای فرستادن برای فلان خانواده احتیاج هست و یا اگر کسی نیازی دارد، دقیق تمام دارایی خود را که پول ناچیز بود بیان میکرد و میگفت چه مقدار میخواهید؟ بعد از چند سال که هزینه معلم و شاگرد مهد کودکها را با جمع آوری کمک از دوستان تامین میکرد، وزارت آموزش و پرورش اقلیم کردستان را مجبور کرد که سرپرستی این مراکز را بعهده بگیرند. بدنبال خودش دچار کهنوت شد و بیشتر در سوئد اقامت داشت. برای این اقدامات از جانب نهادهای آموزشی و ادبی در سلیمانیه مورد تشویق قرار گرفت و از وی در مراسم رسمی قدرانی شد. اما بازم آرام نداشت و مجله "جهانی مندالان" زیر نظارت رفیق گرانقدر شهاب منمنی (کردستان عراق/ کرکوک) و با همکاری عزیزان سلیمان قاسمیان، احمد بازرگ، حسین شهبیق و چند نفر دیگر سرپرستی میکرد و تا روزهای آخر زندگی از این نشریات صحبت میکرد. هر هفته با هم در تماس بودیم علیرغم اینکه در این هفته‌های آخر از حرفهایش حالی نمی شدم و بیشتر دچار فراموشی شده بود اما کماکان از شماره‌های نشریه‌اش صحبت میکرد و کمتر از یکماه پیش در تاریخ ۳۰ آوریل به من زنگ زد و گفت خودت را آماده کن. گفتیم کجا؟ وی گفت به میان مردم میرویم. به ما احتیاج دارند و

صفحه ۶



خیلی از عکسها در سالها ۱۳۶۵-۱۳۶۸ که در ناحیه دیواندره گرفته شده به همت كاك علی است و خوشبختانه با همکاری رفیقایی دلسوز توانستم آنها را به همراه بخشی دیگر از بایگانی فعالیتهايش را جمع آوری کنم. در ضمن در کشور سوئد تمام نشریات و آلبوم عکسها و فعالیتهای خود را دیجیتالی نموده و در یوتوب گذاشته است و شما میتوانید با نوشتن نام وی با لاتین و یا فارسی سر نخ‌ی از لینکها بیابید. چنانچه فرصت بیابم در پائین آدرس یوتوب را خواهم گذاشت.

بعد از جنگ خلیج و در سال ۹۲ به ترکیه آمد و سپس در کشور سوئد سکونت گزید. مدتی نیز عضو حزب کمونیست کارگری بود. ولی سپس با استعفا، بیشتر به کار ادبی و نویسندگی مشغول شد. رفیق علی انسانی کمونیست و مدافع سرسخت آزادی و برابری انسانها و مخالف هر نوع ستم (ملی، طبقاتی و جنسی و...) بود و بسیار ضد خرافات مذهبی بود و هیچ وقت به این افیون تودها امتیاز نداد. در جایی نوشته بود: "پارچه ای که آن زن تنفروش به خاطر فقر و نگهداری بچههای خود را با آن پاك میکند، هزار برابر از دستمال سر يك حاجی که برای تبرئه جانیتهایش از مکه گرفته است، قابل احترام و متبرکتر است". رفیق علی به پشتکاری شهرت داشت و در کشور سوئد بدون مهارت در تایپ (تایپ با تئک انگشتی) این کتابها را بخشا بازنویسی نمود.

بعد از آمدن به سوئد به دلیل سن بالا نتوانست در جامعه سوئد جا بیفتد، اما روحش، قبلش در میان مردم کردستان بود و آرام نداشت و میخواست به هر وسیله به مردم خدمت کند به همین دلیل در سالهای اواخر دهه نود میلادی پروژه تهیه مرکز سالمندان برای سالمندان "چاغللو" که رفقای قدیمی وی بودند را با من مطرح نمود. بسیار طول کشید که وی را متقاعد کنیم که این در نظام جمهوری اسلامی غیر عملی است چون بهداشت و درمان و نظارت و سرپرستی و غیره را میخواهد و "دو پادشاه در يك اقلیم" نمی گنجد. اما بدون اطلاع همین کار را در روستای سنته (واقع در مسیر جاده دیواندره - سقز) میخواست به پیش برد و زمین خرید و بود و خندق آماده که برای این امر هم وی را پشیمان نمودیم.

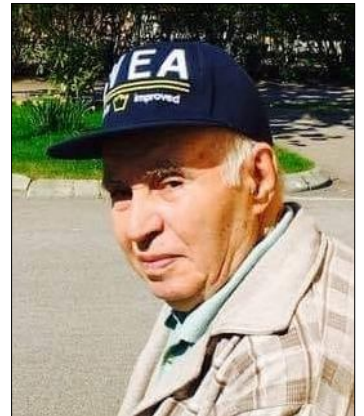
برای خدمت کردن آرام نداشت و در نهایت در شهر سقز و سنندج دو گروه از کودکان کم توان از جانب دوستانی که آشنای هر دو بود سازمان داده شد که آنها را حمایت مالی میکرد. کودکان مورد حمایت جمعا بیش از ۲۰ بچه بودند که برای این امر از کمک هزینه اجتماعی خود استفاده میکرد و از رفقا کمک جمع میکرد. این پروژه هم مدتی پیش رفت و در نهایت وی را متقاعد نمودیم که در عراق خودش پروژه‌ای را از نزدیک سرپرستی کند و به

## قلبی برای رهایی محرومان از تپش باز ایستاد. بمناسبت درگذشت رفیق علی کتابی

داد. به دنبال دور اول جنبش مقاومت کردستان، به همراه واحدی از سازمان "کومه‌له یکسانی" در جولمه وسیعی برای حمایت از دهقانان در بخشهای مختلف دیواندره به راه افتاده بود، شرکت داشت. در پائیز سال ۵۸ حزب دمکرات به رهبری اسعد سلیمان خان، در حمایت از فتودالها و مالکان واحد ده نفره آنها را در مسجد روستای مولان آباد محاصره و با انداختن نارنجک از دودکش بخاری و بکارگیری سلاحهای مجهزتر آنها را مورد حمله قرار دادند. ولی رفیق علی در این مقاومت نقش داشت که تسلیم نشوند. و در جریان این درگیری یکی از همراهانشان بنام حسن اقبالی (ته وریز خاتون) جان باخت. رفیق علی بعدها که به صفوف پیشمرگان کومه‌له و حزب کمونیست ایران پیوست یکی از افراد فعال و چهره شناخته شده در جنوب و بویژه مناطق اطراف چهل چشمه بود.

وی از لحاظ تدارکاتی برای رفقای جنوب نقش کلیدی داشت و در زمینه کار سیاسی و تشکیلاتی نیز فعال بود. در کنار این فعالیتها همیشه به این فکر میکرد که بتواند خاطرات خود و دستونشتهایش را جمع آوری و تایپ کند. بعد از زندگی اردوگانشینی از سالهای ۱۳۶۷ به بعد به کار نوشتن مشغول شد و مجموعه خاطرات خود را در کتابی چند جلدی بنام "سورسوری مرگ" جمع آوری کرده و در کنار آن به نوشتن مطالب مهم همچون "اعدام انقلابی و اعدام ارتجاعی" (نقدی بر سیاست اعدام) و ترجمه کتاب نینا به کوردی و نوشتن رمان سارا و... پرداخت. در اردوگاه بوتی مسئولیت پروژه قبرستان بوتی را به عهده گرفت و تمام وقت خود را صرف این قبرستان نمود اکنون ثمره کار و درخت کاری وی را می بینیم. در اردوگاه زرگویی در کردستان عراق ارتباط وسیع با مردم و در شهر سلیمانیه برقرار کرده بود که قبل از سقوط رژیم صدام با گروهها مختلف انقلابی منجمله "ثلاثی شورش" در تماس بود و نشریات کومه‌له و ادبیات مارکسیستی را بدستان میرسانید.

در شهر سلیمانیه دهها خانواده را میشناخت و شبکه‌ای وسیع و توده‌ای را در پیرامون خود ایجاد کرده بود که بدون اغراق باید گفت که یکی از توده‌ایترین افراد در آن زمان بود که از اقشار مختلف (نویسنده، کارگر، هنرمند و...) را می شناخت. در هر مکانی که قرار میگرفت حتما با کمترین امکانات مکانی را برای زیست فراهم میکرد و در اردوگاه زرگویی نیز باغچه کوچک درست کرد که نیازهای خود و چندین خانواده از رفقا را تامین می کرد. وی انسان امروزی بود و به فکر آینده نیز بود به همین دلیل اولین نفری بود که در میان رفقای ناحیه دیواندره دوربین عکاسی داشت و اکنون



با کمال تأسف، ساعت ۵ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر روز ۲۵ ماه مه ۲۰۲۰ قلبی برای رهایی محرومان از تپش باز ایستاد.

رفیق انقلابی علی کتابی (میرزا علی)، فعال سیاسی، نویسنده و رزمنده صفوف مبارزه در زمان شاه و رژیم اسلامی امروز در سن ۸۴ سالگی در شهر یوتوبوری سوئد، درگذشت.

نمی توان گفت که رفیق علی اهل کدام منطقه کردستان بوده است. در سرشیو سقز، دامنه کوه فنذیل، منطقه فیض الله بگی، بوکان و منطقه "هه وشار" روستاهای وزمان و کتک حومه دیواندره و در این اواخر روستای کانعمت در مسیر جاده سقز-مریوان... مکان و محل زندگی كاك علی بوده است. وی با تمام وجود زندگی زحمتکش روستایی در نقاط مختلف تجربه کرد و به همین دلیل یکی از گنجینه‌های تاریخ شفاهی و منبع با نوشتن خاطرات خود منابع کتبی کردستان بود. بدنبال حکومت خودمختار کردستان، با حزب دمکرات آشنا و ارتباط داشت و جزو جمعی منتقد بود که از حزب دمکرات جدا شدند. وی قبل از قیام در زندان سنندج از نزدیک با رفیق فواد مصطفی سلطانی آشنا شد و بسیار از وی تاثیر پذیرفت. بدنبال قیام به همراه دیگر منتقدان حزب دمکرات همچون رفقا ملا سید رشید حسینی و علی قطبی که پیش‌تر در زندان رژیم ایران بودند و جمعی از فعالین دیگر، سازمان "کومه‌له یکسانی" را تاسیس کردند. از همان ابتدا جزو حامیان قاطع دهقانان برای مصادره اراضی فتوالهای ستمگر بود، و به همین دلیل در اولین درگیری خوانین و فتودالها در دیواندره در روستای تازآباد عزتی و سپس گاروشله شرکت داشت. و بدنبال به همراه مام رحمان شریفی تنها پیشمرگان دیواندره بودند که به اتحادیه دهقانان سقز پیوستند که در درگیری کرفتو علیه فتودالها شرکت داشت و هر دو پای وی در این درگیری (۲۵ مرداد ۱۳۵۸) در روستای کرفتو زخمی شد. و این درگیری نیز از خود روحیه رزمنده گی نشان



**اخبار و گزارشات هفتگی  
از وضعیت زنان  
تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی**

**لغو احکام صادره برای بازداشت شدگان اول مه**  
قوه قضائیه جمهوری اسلامی از لغو محکومیت برخی از کارگران هفت تپه و تعدادی از بازداشت شدگان اول مه خبر داده است. این اقدام که کلاً ۳۷۲۱ نفر از محکومان را شامل میشود، تحت عنوان عفو اعلام شده است. همچنین بنا بر خبرها احکام حبس عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر لغو شده است. نام لیلا حسن زاده فعال دانشجویی و سهیل آقازاده فعال دانشجویی نیز در این لیست دیده میشود.

**تداوم بازداشت ناهید فتحعلیان در بند زندان اوین**  
ناهید فتحعلیان، معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان است که در تاریخ ۲۶ فروردین امسال، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، پس از چند روز بازجویی به بند زندان اوین منتقل شد اما از روز شنبه ۲۰ اردیبهشت جهت ادامه بازجویی‌ها به یکی از سلول‌های انفرادی بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است. اتحادیه آزاد کارگران ایران

**انتقال وحشیانه سهیلا حجاب به زندان قرچک ورامین**

سهیلا حجاب پس از بازداشت و انتقال به زندان قرچک ورامین برای اجرای حکم ۱۸ سال حبس تعزیری؛ باکتک مرا رو آسفالت خیابان می کشیدند و با فحش مشت و لگد به پهلویم، من را منتقل کردند به زندان قرچک ورامین بازجو بارها من را تهدید کرد در زندان قرچک اقدام به حذف فیزیکی من می کنند.

**پرونده سازی جدید علیه زندانی سیاسی سمانه نوروز مرادی، در زندان اوین**

شعبه بازپرسی دادسرای امنیت تهران روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۹۹ پرونده ای جدید با اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام بر علیه سمانه نوروز مرادی زندانی سیاسی در بند زنان زندان اوین باز کرد.

این زندانی سیاسی در حال سپری کردن دوران حبس تعزیری ۳ سال و ۹ ماهه خود است. سمانه نوروز مرادی، از بیماری لوپوس مفصلی و همچنین سرطان سینه رنج می برد و در طی مدت حبس در زندان از دسترسی به خدمات پزشکی محروم بوده است.

سمانه در دوران مرخصی خود، یک مصاحبه تلویزیونی با یکی از رسانه های تصویری خارج از ایران انجام داده بود که پرونده جدیدی با اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام بر علیه وی باز شد.

او که در ۲۸ اسفند ماه ۹۸ پس از تودیع قرار وثیقه به مرخصی اعزام شده بود، ۱۷ فروردین ماه ۹۹ پس از احضار از سوی امین وزیری معاون دادستان و دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی و امنیتی بازداشت و به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

**احضار زهرا اسد پور**

**فعال حقوق زنان به دادسرای انقلاب رشت**

روز ۲۷ اردیبهشت، زهرا اسدپور جهت تفهیم اتهام انتسابی تبلیغ علیه نظام به شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب رشت احضار شد. این فعال حقوق زنان در روز ۲۸ اردیبهشت بعد از مراجعه به دادسرا با قرار کفالت سی میلیون تومانی موقتاً آزاد شده است.

**قسمتی از نامه سرکشاده برادر نرگس محمدی: از اتهامات واهی به نرگس دست بردارید.**

نرگس به سبب دفاع از حقوق حقه مردم ایران، فعالیت در کانون مدافعان حقوق بشر و دفاع از حقوق بشر، متحمل غیرقابل تصورترین رفتارهای غیرقانونی ماموران اطلاعاتی و قضائی کشور قرار گرفته است.

در تاریخ ۴، ۱۲، ۱۳۹۸ شش اتهام جدید به نرگس تفهیم شده است و متعاقب آن در ۱۶، ۲، ۱۳۹۹ بازپرس شعبه ۲ دادسرای زنجان جهت اخذ آخرین دفاع از نرگس، به زندان زنان زنجان مراجعه کرده و مدعی می شود که ۲ پرونده جدید متعلق به تهران می باشد و تنها اخذ آخرین دفاع به دادگاه زنجان محول گردیده است. این سخن بدان معناست که نرگس برای تفهیم اتهامات واهی خود نیز حق خروج از زندان را ندارد.

در مورد مشابه پیشین نیز که نرگس بر اثر بیماری نیازمند چکاپ پزشکی بوده است، ماموران به جای اعزام وی به بیمارستان، پزشک را از بیمارستان به بالین او آورده بودند. حال به جای پزشک، قاضی را به زندان زنان احاله داده اند. پرسش اینجاست که به زعم آن همه مامور شاغل در زندان و آن همه نیروهای اطلاعاتی، چرا برای خروج او از زندان این چنین احتیاط به خرج می دهند؟ آیا نرگس دست به عملی تروریستی زده است؟ قاچاقچی مواد مخدر یا یک قاتل بین المللی بوده که در انتقال او از زندان دست به چنین اعمال مضمحل کننده ای می زنند، یا می خواهند با اعصاب او بازی کنند؟ نرگس با برپایی جلساتی در زندان برای زندانیان، یا تحصن به خاطر کشته های آبان ماه کدام نظم زندان را به هم زده که اتهام حساب شده است؟\*

**از صفحه ۵ قلبی برای رهایی محرومان...**

رسولپور، کریم بیساران، شهاب (جدا از سرپرستی فعالیت های ادبی) به مانند قیم وی تمام کارهای اداری و دفتری وی را سرپرستی و به مانند پدر خود به بهداشت و احتیاجات وی رسیدگی میکرد، سلیمان قاسمیانی، و چندین و چندین نفر دیگر و بدینوسیله به خود اجازه میدهم که از جانب خاور خانم تنها فرزندش و نوه هایش، کاوه و کیوان از تک تک شما عزیزان سپاسگزاری شود و انسانیت با وجود امثال شماها زنده است. پاینده باشید. و یاد رفیق علی کتابی گرامی میدارم و باید بگویم پیر سنگر به درود، به درود!! و به همه دوستداران کاک علی و بویژه دختر و نوه هایش و "کهوین" عزیز در سوئد و خانواده اش، تسلیت میگویم.

۲۵ ماه مه ۲۰۲۰



چند روز این مشغله اش بود و گفت "من حالا باید بروم و ۷۰۰ کرون دارم و باید به یکی دو خانواده پیشمرگ برسانم که احتیاج دارند." در واقع در هنگام فراموشی تراوش افکارش را نیز همان خدمت به مردم بود. وی در مرکز سالمندان نوشت که میخواهد در صورت مرگ اعضای بدن خود را هدیه کند. و در ضمن برای اینکه مشکلی برای دیگران فراهم نکند از قبل در روستای "سه رگه لو" از دوستانش خواسته بود که قبری برایش تهیه کنند که هزینه ای برای دوستانش نداشته باشد. و رفیق هادی خانی چند ماه پیش این عکسها را از "سه رگه لو" تهیه کرده بود. کاک علی خواسته است که جسد وی را بعد از استفاده احتمالی از اعضا بدن بسوزانند و خاکستر آن را به کردستان و به "سه رگه لو" ببرند.

احتیاج به فرصت و مرور و فکر کردن دارم که بتوانم بصورت فشرده با توجه به آشنایی از نزدیک وی را معرفی کنم اگر چه وی برای خیلی از شما خواننده عزیز این مطلب شناخته شده و چه بسا در زمینه هایی بهتر از من بشناسید. اما بگویم در کشور سوئد و بویژه به هنگام سکونت در مرکز سالمندان رفقای زیادی وی را فراموش نکرده بودند. رفیق "کهوین" کتابی خواهر زاده کاک علی، رفقا علی و کاوه بزرگپناه، نوکل، هادی خانی، احمد بازگر، کاوه شیخله، صلاح

پرداخت کردن قبض های برق را در زباله ها بریزید. جمهوری اسلامی و دولت روحانی باید معیشت شما را با پرداخت حقوق های پایه و یا بیمه بیکاری مکفی تامین کنند. تامین معیشت بالای خط فقر حق طبیعی و بی اما و اگر شما است. در کردستان مردم به ندرت قبض های آب، برق و گاز را پرداخت کرده اند. اعتراضات برحق خود را ادامه دهید! قبض های برق را پرداخت نکنید!

در شرایطیکه در اثر بیماری کرونا به میزان هزاران نفری بیکاری افزوده فرصتهای شغلی وجود مسدود شده اند، در کردستان کارگران و جوانان بیکار از روی ناچاری در مرزها به کولبری مشغول بودند و کولبری هم تعطیل شده، علیه جنایتهای اقتصادی و بی خانمانی و فقری که حکومت اسلامی و دولت روحانی بشما تحمیل کرده اند باید ایستاد.

محله ها را به کانون های اعتراضی تبدیل کنید. نگذارید مامورین مزدور نهادهای دولتی برق های شما را قطع کنند. شبکه های وسیع خبر رسانی را در محلات و در سطح میدیای اجتماعی فعال کنید. در محلات با نوشتن صدها پتر بنویسید؛ «آب و برق و گاز در کنار درمان و تحصیل باید رایگان شود و هزینه آن توسط جمهوری اسلامی باید پرداخت شود.» کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۰ می ۲۰۲۰

**کارگران و خانواده های زحمتکش! قبض های برق را نپردازید!**

شرایط زندگی با تحمیل بیکاری و حقوق های چند برابری زیر خط فقر را بشما تحمیل کرده است. در دوره کنونی که هنوز مردم از شر ابتلا به ویروس کرونا نجات پیدا نکرده اند و هر روز بر تعداد مبتلایان به کرونا و جانباختگان در اثر بیماری کرونا در کردستان افزود می شود، تسلیم فشارهای نهادهای وزارت برق و ارگانهای محلی این وزارتخانه نشوید. پیامک و نامه های



اخیرا سخنگوی صنعت برق اعلام کرده: «به منظور استمرار خدمات مطلوب در تابستان از تمام مشترکان تقاضا داریم که نسبت به پرداخت قبوض برق خود اقدام کنند.» جمهوری اسلامی سخت ترین



## اطلاعیه های حزب

## لغو احکام صادره برای برخی از کارگران هفت تپه و بازداشت شدگان اول مه



قوه قضائیه جمهوری اسلامی از لغو محکومیت برخی از کارگران هفت تپه و تعدادی از بازداشت شدگان اول مه خبر داده است. این اقدام که کلاً ۳۷۲۱ نفر از محکومان را شامل میشود، تحت عنوان عفو از جانب خامنه ای به مناسبت عید فطر عنوان شده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی فرزانه زیلابی وکیل کارگران نیشکر هفت تپه، اسامی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه، محمد خنیفر از کارگران این کارخانه و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که هر کدام ۵ سال حکم داشتند در این لیست قرار دارد. همچنین بنا بر خبرها احکام حبس عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر لغو شده است. نام لیلا حسن زاده فعال دانشجویی و سهیل آقازاده فعال دانشجویی نیز در این لیست دیده میشود. اما کیوان صمیمی روزنامه نگاه و حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از بازداشت شدگان اول مه ۹۸ در حال گذران دوره محکومیت خود در زندانند و ظاهراً شامل لغو احکام نشده اند. بعلاوه هنوز از لغو احکام سپیده قلیان، امیرامیر قلی، امیرحسین حمدی فرد، ساناز انته یاری و عسل محمندی از حامیان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه که هر کدام ۵ سال حکم دارند، خبری نیست. اسامی کامل کسانی که احکامشان لغو شده، هنوز منتشر نشده است.

ماجرای این قرار است که در کوران اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۹۷ که شهر شوش را به حرکت در آورد و ابعدای اجتماعی پیدا کرد اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و علی نجاتی و تعدادی از حامیان کارگران دستگیر شدند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شد. بعد از آن برای تخطئه مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه طی پایوش دوزی های دستگاه قضایی و مستند سازهای مسخره شان این پرونده به بازداشت شدگان اول مه همان سال از جمله به پرونده مرضیه امیری، عاطفه رنگریز و ندا ناجی وصل شد.

اکنون جمهوری اسلامی بعد از یک سال احضار و زندانی کردن و صدور احکام سنگین و شکنجه و زندان علیه اسماعیل بخشی و فعالین کارگری هفت تپه و برخی از فعالین مرتبط با

اول مه، احکام زندان برای این فعالین را لغو نموده است. لغو این احکام ظالمانه و غیر انسانی را هرچه بگذارند این یک عقب نشینی از جانب حکومت است و بدون تردید اساساً زیر فشار اعتراضات در ایران و در سطح بین المللی صورت گرفته است و کارگران را در موقعیت بهتری برای ادامه مبارزه و طرح خواستههایشان قرار میدهد. تلاش رئیسی و قوه قضائیه برای دادن یک تصویر معتدل و عدالت جویانه از حکومت و از قوه قضائیه اش قطعاً یک ذره موفق نخواهد شد. زیرا کارگران و مردم چهره این حکومت و شخص رئیسی را طی سالها حکومت جنایت و اعدام دیده اند و هم اکنون نیز شمار نامعلومی از عزیزان مردم به دلیل عدول از احکام اسلامی، یا حق طلبی و یا اعتراض و انتقاد در زندانها بسر میبرند و زندگی شان از هم گسیخته است. تعرض به کارگران هفت تپه و رهبران و فعالینی مثل اسماعیل بخشی جلوی چشم همه مردم صورت گرفته است و همه ما مردم حتی از شکنجه ها و فشارها و توطئه های حکومت و دستگاه قضائی و زندانبانش در پشت دیوارهای زندان نیز خبر داریم. به همین دلیل هرگونه "عفو" و اعتدال و نرمشی که حکومت نشان دهد را ما مردم به حساب قدرت جنبش اعتراضی بر گرده حکومت جانیان میگذاریم و نه عطفوت جلادان.

خواست آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله چند هزار نفر از دستگیر شدگان خیزش آبانماه و دی ماه، و فعالین و چهره های محبوبی همچون آتنا دائمی، جعفر عظیم زاده، گلرخ ایرایی، آرش صادقی، سهیل عربی، اسماعیل عبیدی و محمد حبیبی یک خواست جوشان در جامعه است و تا زمانی که آخرین نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی آزاد نشده اند جمهوری اسلامی فشار دفاع از آزادی زندانیان سیاسی را بر گرده خویش خواهد داشت. اعتصاب نیشکر هفت تپه و در کنارش فولاد اهواز توانست جنبش ملتیب کارگری و خواسته های کارگران را به جلوی صحنه سیاسی کل جامعه بکشاند. این اعتراضات با خود گفتن های آزادیخواهانه و اداره شورایی را در کل جامعه به جلو آورد و دستگیری کارگران و سرکوب این مبارزات با موجی از اعتراض در سطح جامعه و در سطح بین المللی رویو شد. همه این تحولات زمینه ساز خیزش مردمی در آبان و دیماه بود. در ادامه این روند و در دل جامعه پر از تلاطم است که جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات قدرتمند کارگران و کل جامعه سرفروذ آورده و ناگزیر به این عقب نشینی شده است. این عقب نشینی در اساس خود یک شکست سیاسی برای رژیم اسلامی و توطئه گریها و "مستند" سازی های نفرت انگیز صدا و سیماش، و پرونده سازی های امنیتی آنست.

کارگران نیشکر هفت تپه اکنون دارند خبر لغو احکام بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و رهبر محبوب خود اسماعیل بخشی را در کارخانه و در سطح شهر شوش با پخش شیرینی جشن میگیرند. این موفقیت بدون شک کارگر نیشکر هفت تپه را امروز در موقعیت قویتری قرار میدهد و این محدود به این مجتمع کارگری نخواهد ماند. بلکه فولاد اهواز نیز که با شعار "فولاد، هفت تپه، اتحاد اتحاد" در سال ۹۷ خیابانهای اهواز را به لرزه درآوردند نیز قدرت خود را می بینند و این یک پیشروی برای جنبش کارگری است. از جمله با انتشار این خبر کارگران نیشکر هفت تپه خواستهایی را جلوی حکومت و دستگاههای قضایی اش میگذارند. یک نمونه هاش بیانیه ای سوی جمعی از این کارگران است که در گروه سندیکای کارگران

نیشکر هفت تپه انتشار یافته است که در آن بر خواسته های زیر تاکید شده است: دلجویی از تمامی کارگران و فعالینی که در این ۴ سال مورد هجوم دستگاه های امنیتی و قضایی قرار گرفته اند، بر خورد قاطع با سهامداران فاسد و حامیان آنها بدون هیچ گونه مصلحت اندیشی و مماشانی، بستن پرونده تمام فعالین کارگری و لغو احکام ظالمانه آنها، محاکمه و انفصال از خدمت تمام مسئولان شهرستان شوش از ریاست دادگاه و دادستان و رییس سابق اطلاعات شوش و استاندار خوزستان و دادستان مرکز و سایر کسانی که در استان و یا پایتخت عامدانه و آگاهانه از فساد این خاندان خیبت حمایت کردند و بدین واسطه پول های کلانی به جیب زدند.

جالب اینجاست که همزمان با لغو احکام کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه بنا بر خبرها روز ۲۹ اردیبهشت اولین جلسه دادگاه متهمان فساد مالی در این مجتمع در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم "اخلاقگران و مفسدان اقتصادی" برگزار شد. در این دادگاه هفده نفر از سهامداران شرکت نیشکر هفت تپه و مافیای حاکم بر این کارخانه که در راسش امید اسدبیک مدیر سابق هفت تپه قرار دارند محاکمه میشوند.

لغو احکام زندان برای شماری از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری یک موفقیت است و این عقب نشینی را نتیجه اعتراضات مردمی علیه حکومت میدانیم و بر آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و پرداخت غرامت به آنها و محاکمه شکنجه گران و جنایتکاران تاکید داریم و قطعاً دور نیست روزی که در زندانها را بکشاییم. همه سردسته های جنایتکاران و شکنجه گران باید در دادگاههای علنی مردم در جایگاه متهم قرار گیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ خرداد ۱۳۹۹، ۲۴ مه ۲۰۲۰

## حمله یگان ویژه به کارگران شهرداری اهواز را بی جواب نگذاریم!

روز شنبه ۳ خرداد ۹۹ کارگران شهرداری منطقه ۶ اهواز پس از چند اعتراض برای طلب خواستههایشان با حمله وحشیانه نیروهای یگان ویژه جمهوری اسلامی رویرو شدند و مورد تهدید، بازداشت و ضرب و شتم سرکوبگران حکومت قرار گرفتند. این کارگران حقوق خود طبق مصوبه شورای عالی کار حکومت در سال ۱۳۹۹ و همچنین حقوق معوقه شان را طلب می کردند. شهرداری اهواز بجای جواب دادن به خواسته های کارگران به اخراج کارگران معترض و استخدام کارگران جدید از طریق پیمانکار اقدام کرد. این اقدام خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت که منجر به اعتراض مجدد کارگران در روز شنبه ۳ خرداد شد. در این روز رژیم اسلامی سرمایه تصمیم گرفت یگان ویژه خود را به جان کارگران بیاندازد. در اثر تهاجم وحشیانه نیروهای یگان ویژه شماری از کارگران زخمی شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. یکی از کارگران شهرداری گفت: "ما بجز دستمزد خود چیزی نخواستیم، عید رسید و برای فرزندانمان چیزی نخریدیم مورد ضرب و شتم نیروهای یگان ویژه قرار گرفتیم. یکی از دوستانمان بنام "محمد منصوری" از ناحیه دست و دیگری از ناحیه پا با اصابت گلوله مجروح شدند و یکی از کارگران بنام "رضا شریفی" را بازداشت کردند و روز جمعه دوم خرداد ماه ۹۹ به دلیل اصابت تیر به ناحیه کمرش جهت معالجه آزادش کردند." این کارگر افزود: "علیرضا عالیپور

صفحه ۸

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

از صفحه ۷ اطلاعیه های ...



معاون خدمات شهری اهواز به ما قول و قرارهایی داد اما بجای اینکه وضعیت ما را روشن کند، نیروهای یگان ویژه را برای ما فرستاد!

کارگران و مردم شریف اهواز!

یورش گارد ویژه جمهوری اسلامی به کارگران شهرداری اهواز که فقط حقوق توافق شده خود را طلب می کنند یورش و حمله ای به همه ماست. این حمله وحشیانه نباید از جانب ما بی جواب بماند. کارگر حق دارد و باید بتواند فارغ از تهدید و زندان اعتراض کند و خواست خود را طلب کند. همه ما درد و خواست مشترکی داریم. همه ما از دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و تعویق در پرداخت دستمزدها و بیکاری خونمان به جوش آمده است. همه ما می دانیم که این حکومت کمر به در هم شکستن ما بسته است تا بتوانند بماند و به غارت دسترنج ما بپردازد. در مقابل این توحش و جنایت جمهوری اسلامی این درد را مشترک را فریاد کنیم. کارگران شهرداری اهواز باید با حمایت وسیع مردم شهر روبرو شوند. کارگران شهرداری به قول خودشان "پیاده نظام در جنگ با کرونا ویروس" بوده و هستند. شهرداری ها آنها را گرسنه و دست خالی به میدان جنگ فرستاده اند. با اینحال حقوقشان را نمی دهند و با زور سرکوب جوابشان را می دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران مردم شهر اهواز و کارگران این شهر از کارگران فولاد تا لوله سازی و دیگر بخش ها را فرامی خواند که نسبت به این زورگویی جمهوری اسلامی واکنش نشان دهند و از کارگران شهرداری حمایت کنند. اقدامات حمایتی شما باعث می شود که جمهوری اسلامی خود را با سد محکمی از اعتراض و مبارزه و همبستگی روبرو ببیند و از دست درازی به کارگران دست بکشد. کارگران اخراجی شهرداری فوراً باید به مشاغل خود برگردند و حقوق های آنها بلافاصله پرداخت شود. هر گونه تعرض و همچنین بازداشت کارگران باید خاتمه یابد و همه کارگران بازداشتی باید آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ خرداد ۱۳۹۹ - ۲۴ مه ۲۰۲۰

آزادی سه کارگر زغال سنگ کرمان و امیر چمنی و چند خبر اعتراضی کارگری

صبح روز شنبه ۲۷ اردیبهشت، ۳ نفر از کارگران اعتصابی شرکت معادن زغال سنگ کرمان که در اعتراض به فروش سهام این معدن و خطر بیکارسازی ها و نیز سطح نازل دستمزدها و وضعیت برده وار کاری خود دو هفته است در اعتراض به سر میبرند تحت عنوان "برهم زدن نظم عمومی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این بازداشت ها با اعتراض وسیعی در

میان کارگران روبرو شد و کارگران بازداشتی بدنبال اعتراض و پیگیری با مامد روز ۲۸ اردیبهشت آزاد شدند

روز ۳۱ اردیبهشت بیش از ۴۰ کارگر و تکنسین واحد آب، برق و تهویه سازمان منطقه ویژه اقتصادی بندر خمینی در اعتراض به اخراج ها و زورگویی های پیمانکاران این سازمان مقابل فرمانداری شهرستان بندرماهشهر تجمع کردند.

روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، جمعی از پرستاران گیلانی که پس از شیوع کرونا با قراردادهای ۸۹ روزه به کار گرفته شدند، به نمایندگی از همکاران خود به تهران رفتند و در مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان تجمع کردند. پرستاران با در دست داشتن پلاکارد و بنرهایی اعلام کردند که با وعده جذب در بحران کرونا، سه ماه بدون حقوق، بدون بیمه و بدون قرارداد کار کرده اند و الان به مشکل عدم جذب و بیکاری روبرو شده اند

روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ جمعی از کارگران راه آهن اراک در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه مزدی در محل کار خود تجمع کردند. حقوق فروردین ماه و همچنین بخشی از مطالبات این کارگران از قبیل سنوات خدمت آنها پرداخت نشده است.

روز ۳۰ اردیبهشت کارگران کنترل شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز در اعتراض به سطح نازل دستمزدهایشان دست به تجمع زدند. به گفته کارگران آنها از ساعت ۶ صبح تا زمانی که اتوبوس ها تعطیل می شوند کار می کنند و برای هر روز کارکردن فقط ۴۰ هزار تومان دریافت میکنند. این درحالیست که هیچ کمک معیشتی به آنها پرداخت نیشود. این کارگران درباره کمک ۵۰۰ هزار تومانی مصوب شورای اسلامی شهر نیز که قرار بود به حساب شخصی تک تک کنترلچی ها واریز شود، میگویند چیزی جز امروز و فردا کردن نصیبشان نشده است.

روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت، جمعی از دستفروشان و کسبه بازار روزهای شهرستان سیمرغ در استان مازنداران در اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی خود در این ایام بحران کرونا مقابل فرمانداری اجتماع کردند.

امیر چمنی از فعالین کارگری ساکن تبریز روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت با تودیع قرار وثیقه تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد. امیر چمنی روز پنجشنبه ۱۴ فروردین پس از احضار به پلیس فتای این شهر بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه تبریز منتقل شده بود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۰ مه ۲۰۲۰

سومین روز تجمع اعتراضی کارگران هپکو با خواست راه اندازی تولید و اشتغال

دور جدید اعتراضات کارگران هپکو از روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت آغاز شده و اکنون وارد سومین روز خود شده است. در این روز کارگران هپکو با تجمع در محوطه شرکت اعتراض خود را به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و توقف تولید و بیکار شدنشان از کار و نیز تعویق پرداخت دستمزدهایشان اعلام کردند. خواست فوری این کارگران راه اندازی تولید و اشتغال و امنیت شغلی است. به گفته کارگران دو هفته قبل از واگذاری هپکو به ایمیدور (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع

معدنی ایران) خبر داده شد و اکنون قرار است به کنسرسیوم معادن (زیر مجموعه ایمیدور) واگذار شود. تولید این شرکت به ۱۰ درصد کاهش یافته و نیمی از کارگران در مرخصی هستند. کارگران هپکو در عین حال بیش از یک و نیم میلیارد تومان مطالبات معوقه دارند.

چندین سال است که سهام این شرکت بین سهامداران مختلف دزد و چپاولگر دست بدست میشود و مقامات دست اندر کار حکومتی بخشی از این چپاولگران هستند. در این میان این زندگی و معیشت کارگران است که به یغما رفته است. در این رابطه کارگران هپکو بارها و بارها دست به اعتراض زده اند. هپکو یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است که تجربیات درخشانی از اعتراض متحد همراه با خانواده هایشان را به نمایش گذاشته است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از این مبارزات بر اتکاء به مجمع عمومی، تلاش برای شرکت هرچه وسیعتر خانواده ها در اعتراضات و جلب همبستگی بخشهای دیگر کارگری تاکید میکند. جلب همبستگی دیگر مراکز کارگری در این شهر همچون آذر آب و اوانگان و آلومینیوم اراک که سابقه مبارزات متحدانه ای دارند و اتکاء به مجمع عمومی برای پیشروی و پیروزی کارگران بسیار مهم است. ما همه مردم شهر اراک را به حمایت و همبستگی با کارگران هپکو فرا میخوانیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۰ مه ۲۰۲۰

**فعالین کارگری**  
**باید فوراً بی قید و شرط آزاد شوند!**

**احضار و پرونده سازی علیه فعالین**  
**کارگری باید فوراً پایان داده شود!**

زمان آنست که نهادها و فعالین و چهره های جنبش کارگری، جنبش معلمان، جنبش رهایی زن، و دیگر جنبشهای اعتراضی متحد و همبسته بمیدان بیایند و با بیانیه ها و فراخوانهای مشترک اعتراضات توده ای را تقویت کنند.

**تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر**

Tel: 00358405758250  
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!